

هم میهنان :
مرتجعین می خواهند با سانسور
مطلبی عاب مردم را درسی خیسری
نکمه دارند .
تا روزنامه های دیواری و یا با هر
وسله دیگر مردم را راجعاً بگفتی که در
میهنان می گذرد ، مطلع سازید .

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید



دوشنبه ۹ مهر ۱۳۵۸

قیمت باضمیمه ۲۰ ریال

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال اول - شماره ۳۳

باقرار گرفتن چمران در راس نیروهای مسلح مرتجع ترین جناح هیات حاکمه قدرت سیاسی را قبضه کرد

• ترمیم مجدد کابینه نشان دهنده بحران جدی است که
قدرت سیاسی حاکم با آن روبروست .

• دعوا بر سر این است که سرمایه داری وابسته با پوشش "بروندانه" ترمیم
شود ، یا ایران ۱۴۰۰ سال به عقب برگردد و ولایت فقیه تحقق یابد .

برم مجدد کابینه سنا زهرچر
شان دهنده محراسی است که قدرت سیاسی
حاکم با آن روبروست .
۱- بحران ناشی از مبارزه سیاسی
بین جناحهای مختلف هیات حاکمه
مرتجعین قشری ، لیبرالها و عوامل چپ
عوض کرده رژیم سابق .
بقیه در صفحه ۲

دادستان انقلاب اسلامی:

"از نظر اسلام
جامعه بی طبقه
یک لفظ
فریبنده است"

آقای آذری قمی دادستان کل
انقلاب اسلامی پس از همه گیر و بینه ها و
دستوراتی که برای اعمال سانسور ، تعطیل
مطبوعات آزاد و برچیدن دفاتر سازمانهای
انقلابی و مبارز صادر کرد و پس از همه
اقداماتی که به منظور محو کامل نهاد های
دموکراتیک انجام داد ، در جریان استعفا
خود که هنوز هم از چند و چون آن خبری نیست
بالاخره حرف آخر را زد و در آرزوی دیدگاه
خود است به "جامعه بی طبقه" برداشت و
ضمن اینکه با صراحت کامل اعلام کرد اساساً
"جامعه بی طبقه" یا "اقتصاد اسلامی" هیچ
گونه نطنباتی ندارد ، دشمنی و عناد خود را
تیز از "جامعه بی طبقه" پوشیده نداشت ، او
در این گفتار نشان داد که نه تنها با برقراری
"جامعه بی طبقه" و از میان رفتن استثمار
نیروهای زحمتکش شدیداً مخالف است ،
بلکه با بدگفتی حتی تحمل شنیدن اسم آنرا هم
ندارد . آذری قمی ضمن این برآورد خود از
"جامعه بی طبقه" یا "اقتصاد اسلامی" اسلام
و اقتصاد اسلامی گفت :

"بعضی ها می گویند اسلام و اقتصاد
اسلامی مبتنی بر جامعه بی طبقه است یعنی
افراد از نظر دارائی و ثروت و از نظر مالکیت
همه باید در عرض هم باشند این لفظ فریبنده
است که متأسفانه بعضی عمامه سرها هم
شنیده ام ... اسلام از این غریزه استفاده
کرده که انسان کاری انجام بدهد و نتیجتاً
بقیه در صفحه ۲

علی محمد عرب
"نماینده
کارگران ایران
در مجلس خبرگان" را
شناسیم

آقای علی محمد عرب
ارتجاعی ترین جناح مجلس به تباری
پرداخته تا برای درهم کوبیدن حتی
ساده ترین ارگانهای صنفی کارگری
اصول و قوانینی دست و پا کنند .

در رژیم سابق رسم بر این بود که
تنها ساواکی ها و عناصر کاملاً وابسته به آن
حق ورود به مجلس را داشتند . مردم نیز
به این مسئله واقف بودند . بنا بر این
نه رای می دادند و نه برای وکیل جماعت
تره خورد می کردند . اما بعد از قیام و
استقرار حاکمیت جدید ظاهراً همه
بقیه در صفحه ۳

بدنبال تصویب ولایت فقیه خیمه شب بازی در مجلس خبرگان وضع مضحکی به خود گرفته است

این روزها "خبرگان" مجلس
بررسی قانون اساسی حلی "زوربگ"
شده اند و در هر جلسه سه چهار اصل
به اصطلاح "قانون اساسی" سرهم
بندی می شود . کویا و لایحه امور از نسخه
جریان این مجلس فلابی هم چسبان
راضی نبوده و می خواهند عجز زودتر

چرا دستگاههای تبلیغاتی دولت اینهمه برای شوراها تبلیغ می کنند؟

این روزها خیلی از شوراها صحبت
می شود . برادورا که ماری کئی ، تلویزیون را
که روشن می کئی ، در سخنرانی های متعددی
که از طرف سخنرانان مختلف به عناوین
مختلف ایراد می شود ، هر روز نامه ای را که باز
می کئی ، همه و همه دستگاههای تبلیغاتی
دولت ، از شوراها صحبت می کنند و سعی دارند
شورا را (البته به آن صورتی که مورد نظر
بقیه در صفحه ۳

کنفرانس وحدت با موضوع کبری سیاسی خود در کردستان
بالاتر جاعی ترین جناح هیئت حاکمه هم صد شده است . (قسمت دوم)

مساله ملی در کردستان از مبارزه طبقاتی خلق کُرد جدا نیست

• حزب دموکرات کردستان یک جریان دموکراتیک با گرایش لیبرالیستی است
که عمدتاً متکی به اقشار متوسط خلق کُرد است .

هموطنان مبارز :
سازمان چریکهای فدائی خلق
ایران که همواره به حمایت مردم
قهرمان میهن تکیه داشت است ، امروز
بیش از هر زمان دیگر نیازمند
پشتیبانی شعاست .
کمکهای مالی خود را به حساب
شماره ۳۲۰۹۸ بانک ملی ایران شعبه
دانشگاه به نام عباس فضیلت کلا م
واریز نمایند .

بزرگداشت
دکتر رشوند سرداری
مراسم چهلمین روز شهادت دکتر
سازز ابوالقاسم رشوند سرداری را خانواده
این شهید در روز پنجشنبه پنجم مهر برگزار
کردند . در این مراسم خانواده های
شهدای چریکهای فدائی خلق ایران
پیامی برای خانواده شهید رشوند سرداری
فرستادند . همچنین دسته گلی سبزه از طرف
نارمان چریکهای فدائی خلق ایران
برای بزرگداشت این رفیق شهید به این
مراسم تقدیم شد .

بازگشائی دانشگاهها و مدارس وصف بندی جدید نیروها

سرمقاله شماره گذشته را با بررسی موضع وصف بندی نیروهای ملی و مذهبی
آغاز کردیم ، در این شماره در ادامه آن موضع و موقعیت فعلی و آتی نیروهای چپ را
ارزیابی می کنیم .

صف بندی نیروهای چپ در دانشگاه همیشه فعالترین نیروهای دانشجویی را در خود
جای داده است . طی سالهای ۴۹-۴۲ مبارزات دانشجویی تقریباً بطور کامل تحت
هدایت نیروهای چپ اداره می شد . در آن سالها نیروهای مذهبی فعال نبودند و اگر
هم حرکتی از آنها به چشم می خورد در حیات جنبش دانشجویی اثر چندانی نداشت .
تنها بعد از سال ۴۹ بود که جناح مذهبی از جناح چپ جدا شد . تا آن زمان اساساً
صف بندی نیروها مثل امروز شکل نگرفته بود تا هر یک با هویت ایدئولوژیک خاص
خود شناخته شوند .

صف بندی امروزین نیروهای چپ محصول مرحله معینی از رشد ایدئولوژیک
جنبش کمونیستی ایران و شکل گیری عقیدتی آن است و درست به همانگونه امضا
این صف بندی در درون جنبش کمونیستی که متضمن بیرون راندن جریانهای
انحرافی با آن ، درون آنست به بلوغ بازم بیشتر ایدئولوژیک ، سیاسی و
تشکیلاتی جنبش کمونیستی ایران بستگی دارد ، که این خود کام بزرگی به سوی
تشکیل حزب است . امروز در عرصه این جنبش دیگر یقین است که نیروی عمده در
جنبش کمونیستی ایران ، یعنی جنبش حزب طبقه کارگر ایران ، سازمان ما و مسئولیت
هر نوع کوتاهی و کج اندیشی در آن زمینه مشخصاً بر عهده است . چنانچه حرکت
سازمان در ماههای اخیر را بررسی کنیم ، درخواستیم یافت که این موقیبت با زهم
بیشتر روه تحکیم خواهد رفت (تنها با این شرط مهم که مبارزه ایدئولوژیک چه در
سطح سازمان و چه در سطح جنبش به نحو پیگیر جریان داشته باشد) .
در میان سایر جریانها مدعی مارکسیسم دوخط سازمان یافته دیگر در سطح
دانشگاهها حضور دارند که یکی هواداران حزب توده و دیگر نیروهای وابسته
کنفرانس وحدت است .

حزب توده که تا سال ۵۵ تقریباً مرده بود از آن زمان به بعد (بعد از جد ا
شدن گروه منشعب از سازمان) حرکت محسوس را در سطح دانشگاهها آغاز کرد . اکنون
"مضای باز سیاسی" بسیاری از توده ای های واقفان زشته و حتی به دشمن پیوسته
از نو زنده آورده است . فضای سیاسی موجود و متنی دشمنه روان حزب توده و
ساجت آن برای کسب حق حیات قانونی از ولایت فقیه ، موجب شده است که
حزب توده بتواند جمع دوستداران فعالیت علنی و قانونی را گرد خود آورد . حزب
توده سیاست پذیرش بی قید و شرط رهبری آیت الله خمینی و تائید کامل آن را پیش
گرفته است و می خواهد به هر قیمت از این جمهوری اسلامی تاپوش ، هم به او برسد .
بقیه در صفحه ۴

تظاهرات وسیع خلق کُرد علیه ارتش و نیروهای ارتجاعی

• هر کجا پاسداران وارد می شوند مردم آنها را تیر می کنند .
• عده ای از پاسداران پس از اطلاع از ماهیت جنگ با عذر خواهی
از مردم کرده شهرهای خود بازگشتند .
• ارتش تعدادی از پاسداران را به جای خلق کُرد گلوله باران کرد
و ۱۱ نفر از آنان را کشت .

فاجعه کشتار روستائیان "فارنا"
به اندازه ای بزرگ بود که حتی صدای خود
فاجعه آذربایجان هم بلند شد . همه مردم
جهان به خاطر دارند ، امیرالایم آمریکا
انعام جنائاتی که در وقتام مرتکب شد ،
ربرفتار افکار عمومی توانست نسبت به
جنائاتی که عوامل مزدورنش دردهکده
"مای لای" مرتکب شدند ، ساکت بشیند
این بود که برای فریب توده هایک دادگاه
نمایشی تشکیل داد و مزدوران خود را به
محاکمه کشید و ستوان کالی را که در اصل
محری نقشه های خودشان بود ، عنوان
بقیه در صفحه ۴

شاه دیگری رفت اما این بار نیز ...

هفته گذشته در حالی که بوکاسا
امپراطور افریقای مرکزی به سفر حوس از
لسی سان می داد توسط یکی از همکاران
ساعتی به نام "دیوید داکو" ساک
بود تا برای آرام برکاست ، کودا جان ار
همان اولین ساعه های کد صادر کرد
صراحتاً به وجود همکار ، یوهن مکرکی سان
خود و امیرالایم فرانس در طرح برنامه
بقیه در صفحه ۳

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

بازگشایی دانشگاهها و مدارس

وصف بندی . . .

غافل از اینکه تنگ نظری ولایت فقیه برای جاکردن حزب توده سرودستان ابراهم (اره خواهد کرد) . . . بیانیه‌های اخیر حزب توده درباره اوضاع کشور، بیانگر بی‌ساز و سرخوردگی و زبونگی کره و چندی از ورکسی است که تمام تلاشهایش برای جلب عطوفت حضرتان ناگام مانده و باین همه بازم در برابر این فتنای سکوت را توصیه می کند.

مهمواره موظفم موضع توده‌های هاد دانشگاه و مواضع سیاست آنان را بطور موثکافانه و دقیق برای نیروها تشریح کنم. . . سیاستی که سمنت اصلی آن تحقیق توده‌ها، پنهان کردن مرزبندی طبقات و عوامل اصلی به شکستگماندن انقلاب، نیروی عمده سرکوب خلق، در شرایط فعلی و کوشش بی دریغ برای تقویت جنبه ارتجاع است. حزب توده نظر به موضعی که در برابر حاکمیت ارتجاعی کنونی دارد عملاً در جنبش دموکراتیک خلق جایی ندارد. تجربه گذشته و پیش بینی آینده حاکی از آن است که انزوای حزب توده همچنان ادامه خواهد یافت. بگونه‌ای که این حزب قطعاً موفق نخواهد شد با سایر نیروهای سیاسی اپوزیسیون از هر قبیل که باشد اتحاد نیرو کند.

با قرار گرفتن چمران در راس نیروهای مسلح . . .

۱- چمران فزاینده و راهبردی که اقتصاد سرمایه‌داری وابسته ایران را در خود فروبرد که وجه بارز آن تورم و بی‌کاری است.

۲- سر رشد یافته اعتراض توده محتمکان و به ویژه کارگران به گرانسی، اخراج و بی‌کاری.

۳- چمران ناشی از ادامه نیهضت مقاومت در کردستان و اعمال قهر در ارواح خلق کرد در برابر این فتنه که اینها مجموعه مواعلی هستند که اساس ترمیم کابینه را توضیح می دهند.

۴- چمران فزاینده و راهبردی که برای تقویت نظام سرمایه‌داری وابسته خیره تر هستند هتقدند سرمایه‌داری که روحانیت در پیش گرفته است (مثل اقتصاد حاکم که خلخالنی در کردستان به راه انداخت و تفنونی از چار همگان را برانگیخت با اقدامات "ناشانه" اثراتی در شرکت نفت) فقط به سرود دشمنان حکومت تمام می شود آنها می گویند:

"آخوندگرمی تواند ملکت را راداره کند" و روحانیت در جواب می گوید: "اینها نمی گذارند اسلام تحقق پیدا کند." و در این میان جالب است هر یک دیگری را ستم می کند که سیاست تو به سود کمونیستها تمام می شود. انبیا می که خود به روشنی هر چه تا متسر ماهیت ضد کارگری کل حکومت را به اثبات می رساند. در اینجا جادو موایز سران است که سرمایه‌داری وابسته با پوششش آبرومندان ترمیم شود، با بران ۱۴۰۰ سال به عقب برگردد و ولایت فقیه که به جامعه نامتکامل فتوای تعلق دارد تحقق یابد؟ حکومتی که همان آرمان واپد آل دهرینه دستگا روحانیت حاکم و بهترین تاملین کننده نافع آن است. . . بارفتن تریه و آمدن زمین فریبج تعادلی در این زمینه برهم نخورده و هیچ چیز عوض نشده است. این کشمکش تنها یک بار دیگر واقعیت تضادهای درون سیمت حاکم را بر ملا ساخت.

چمران دست پرورده امپریالیستهای امریکائی و یکی از عوامل کشتار خلق کرد

در بیان تغییراتی که در بخشهای از کابینه دولت وقت انجام شد، قرار گرفتن چمران در راس وزارت دفاع از همه بیشتر خشم توده‌های آگاه را برانگیخت. این انتخاب نشان می دهد که مرجعترین جناح هیات حاکمه، جناحی که کشتار خلق کرد را وسیله تحکیم موفقیت خود ساخته بود، حساسترین رکن قدرت سیاسی یعنی فرماندهی نیروهای مسلح ارتجاعی بوده است. چمران با شخصیتهای غیر نیست. روی کار آمدن او چهره واقعی نیست. حکومت گری آینده آن نشان می دهد. تضاد فنی نیست که چمران این تربیت شده دست امپریالیستهای امریکائی و زمینه ساز کشتار تل زهرتر و داری است اجرای این حداقل دستمزدا

از نظر اسلام جامعه بی طبقه . . .

بقیه از صفحه ۱

کار به خودش برسد و به تعبیر حقوقی مالک آن شود. . . و حدودی هم برای آن معین نگردد است که مالکیت بعضی هار برای مالکیت حدودی مشخص کرده اند که این اصل درست نیست (روزنامه کیهان ۲۵ شهریور)

وساذه ترکیبیم از نظر ایشان (یعنی از نظر اسلام به روایت ایشان) برای مالکیت خصوصی هیچگونه حد و مرزی وجود ندارد وجود طبقاتی استوار شده و استتسار کننده کاملاً طبیعی و ضروری و "اسلامی" است و استتسار زحمتکاران هم در جامعه مورد قبول ایشان کاملاً آزاد است.

از سوی دیگر آقای بنی صدر ادعا کرده است که این آقایان یعنی امثال آقای آذری قنی "الای کتاب اقتصاد توجیدی را نگشودند و اصلاً نمی دانند جامعه بی طبقه توجیدی چه صیغه ای است . . . پس از نظر ایشان اقتصاد توجیدی حرف مفت است."

(روزنامه انقلاب اسلامی - سه شنبه ۲۷ شهریور)

در این زمینه آیت الله طالقانی و افرادی مثل آقای بنی صدر و آقای سید احمد خمینی و همچنین از همه جدی تر سازمان مجاهدین خلق ایران و سازمانهای مؤلف آن معتقدند که اسلام خواهان از بین رفتن طبقات و برقراری جامعه بدون طبقه توجیدی است. این نیروها که شردیم برخلاف آقای قنی معتقدند که اسلام برای مالکیت حدودی قائل است و به کمک همین حدود و با اتخاذ سیاستهای که هر کدام پیششاده می کنند می توان اختلاف طبقات را کاهش داده و آنرا به تدریج از بین برد.

اظهارات آقای قنی به بهترین نحوی از ماهیت فوق ارتجاعی ایشان برده برداشت و نشان داد که واقعا چه عنصر نرتمی در حاس ترین شرایط در راس دادگاههای انقلاب اسلامی قرار گرفته بود.

بدین ترتیب اظهارات ایشان قبل از اینکه روشن یازد بالاخره "اسلام" طرفدار جامعه سرمایه‌داری است با جاچه

تظاهرات وسیع خلق کرد . . .

عامل اصلی معرفی می کند بقیه از صفحه ۱ متن تلگراف خلخالی چنین است.

بسمه تعالی

"دفتر محترم امام خمینی داشت برکاته

جریانات جانسوز "قارنه دل هر انسانی را می سوزاند. ملامحمد مستور زاده که با قزاق به پیشوا مردم رفته عمال معبودی و سرگردنجفی و عزیز قزاق ری و ملاحسنی آنها را کشته اند و شمت و پنج نفر به طرز فجیع. اگر امام به این امر جانسوز رسیدگی نفرمائید پس کدام مقام رسیدگی کند.

با احترام - صادق خلخالی ۵۸/۶/۲۰

بطوری که در خبرنامه کردستان آمده است جنایت روستای "قارنسا" در شرایطی صورت گرفت که روحانی تسنن روستای قارنسا در آنهارفته و خواسته بود که به ده حمله نکنند، ولی مهاجمان با سرنیزه قرآن را پاره کرده و روحانی ده را هم تاحد مرگ کشتند و سپس به قتل رسانیده اند. چند تن از باقیماندهگان جنایت هولناک "قارنسا" از پنجشنبه ۲۲ شهریور در فرمانداری مهاباد متحصن شده و خواهان دستگیری و مجازات عاملین این جنایت شده اند.

همه معوق گذاشت و تحت فشار میلیونها کارگرو تحت تاثیر تضادهای بی‌سمن جناحهای حاکم داریوش فروهر وزیر کار برکنار شد. البته نباید تصور کنیم که داریوش فروهر به منظور تاملین کردن منافع کارگران، روی افزایش حداقل دستمزد پافشاری نشان می داد، بلکه این دقیقاً از ماهیت لیبرالیستی اش ناشی می شد که تصور می کرد باین وسیله می تواند از اعتلا و گسترش مبارزات سراسری کارگران بکاهد و با توجه کردن ظاهری به خواستههای صنفی کارگران با بالا بردن مبلغ ناچیزی به در آمدشان آنها را از مبارزات بی امان علیه سرمایه‌داری بازدارد. اما حاکمیت موجود به گونه دیگری عمل می کند. او کوند تر و ارتجاعی تر از آن است که بتواند به بندبازی های بورژوازی اعتماد کند و ساده ترین مانورهای رفهمستی او را تحمل نماید. این است که می خواهیم و با جایگزین کردن قشری ترسیده و ارتجاعی ترین نیروها به جای عناصر

دیکتاتوری دفاع می کند وهم در اقتصاد از مالکیت نامحدود با بهتر گفته شود از توفیق حق غارت نامحدود . . .

سرمایه داران پشتیبانی می کند و با هم تصادفی نیست که جناح دیگر هم در سیاست از حق آزادی بیان و عقیده و حق شرکت مردم در تعیین سرنوشت خویش دفاع می کند وهم در اقتصاد مدافع محدودیت در مالکیت است.

"اشکال مختلف مالکیت و شرایط هستی اجتماعی پارونهای جامعه ای از احساس ها و پندارها و شیوه‌های ویژه تفکر پوشیده شده است. مجموع طبقه بر پایه شرایط مادی خود و مناسبات اجتماعی وابسته به آن، تمام این روپنارها موجود می آورد و به آن شکل می دهد."

کارل مارکس - هیجدهم برور ۱۸۵۲

بطور کلی باید گفت، همانطوریکه دادستان انقلاب اسلامی از دیدگاه مرتجعترین اقتدار مذهبی می گویند و همانگونه که در سمنار بررسی وضعیت اقتصادی ایران به آن اشاره شده است واقعا هم "نظام توجیدی حرف مفت است." تهنه در نظام کونستی است که جامعه بی طبقه ظهور واقعی پیدای می کند.

بنابراین آن دسته از نیروهای هم که از روی حسن نیست و به عنوان حمایت از توده‌های زحمتکش و رسیدن به یک "جامه بی طبقه" می خواهند اقتصاد اسلامی را بنا قرار دهند درک نمی کنند که این دلسوزی برای مردم زحمتکش که برحمانه مورد غارت و استتسار طبقات حاکم قرار گرفته اند هرگز به راهی آنان از جنگ نظام طبقاتی منجر نخواهد شد. اوها هم تغیلی که آنان برای تعدیل ثروت و از بین بردن طبقات و برقراری جامعه توجیدی اندیشیده اند تنها به این در فنی خورده خونپسای رهایی خود از بند ستم امپریالیسم و سرمایه‌داری بر زمین می ریزد، برسد دهند و مانع از میان برداشتن طبقاتی دست یافتن به عالیترین مرحله تکامل اجتماعی یعنی جامعه بدون طبقه، بدون ستم طبقاتی، بدون زور و ظلم و اجبار شوند

بها با فیه مردم با با دارا با سداران نفسرت . . .

دارند و هر جا که با سداران قدم می گذارند مردم از آنجا دور می شوند. مثلا هنگامیکه با سداران باغچه فروشی ها و قهوه‌خانه‌ها وارد می شوند مردم آنجا ترک می گویند. در اغلب شهرهای کردستان فروختن جنس و حرف زدن با با سداران تحریم شده است این مسئله موجب بروز نا رضایتی شدید در میان با سداران شده است.

سردشت - تعدادی از با سداران مستقر در سردشت که وجدانشان بهید ار شده و انگیزه اصلی این جنگ را با رفتند به شهرهای خود بازگشتند. آنها هنگام خروج از شهر از مردم مذر خواهی و طلب مغر کرده و می گفتند ما از جنگی این جنگ آگاه نبودیم و حال که همه چیز برایمان روشن شده حاضر به برادرکشی نیستیم.

یک عمل ارتجاعی

موامل ارتجاع بنای یادبودی زا که زحمتکاران سندنج برای قهرمان شهید خلق کرد "کاک اسماعیل شریف زاده" ساخته بودند خراب کردند. این بنا بنا بهار گذشته در سالروز شهادت سکو ساخته شده و با پوشش ارتجاع به کردستان آن را خراب کردند. (گوردلان و تنگ - نظران مرتجع نمی دانند که قهرمانان دردل مردم زنده اند).

برخاسته اند، اکنون با توطئه کثیف ضد کارگری اخراج از کار، روبرو شده اند. این سیاست به دستور دولت بازرگان و با پشتیبانی وسیع سرمایه دارانی که منافع خود را در خطر دیده اند اتخاذ شده و با تغییر کابینه احتمالاً از طریق طرحهایی که برای کارگران ناشناخته است همچنان تعقیب خواهد شد. اما دولت از این غافل است که مبارزه کارگری و اتحاد کارگران به چنان سطحی رسیده است که نه تنها با اخراج کارگران، مبارزه آنها تخفیف نخواهد یافت بلکه عمل این فشارها در مقایسه با ماههای قبل بهر شد با هم بیشتر جنبش کارگری و اعتراضات کارگران در خوزستان، آذربایجان و منطقه تهران، منجر شده است. اگر امروز مدبران سرمایه داران، کارگران مبارز را از کار اخراج می کنند، دور نیست روزی که صف متحد کارگران با آموختن از کارگران کارخانه تراکتور سازی تبریز و سایر کارگران آگاه مدبران سرمایه داران مفت خور را از کارخانه ها اخراج کنند.

بقیه از صفحه ۱

چرا دستگاههای تبلیغاتی دولت اینهمه برای شوراها...

بقیه از صفحه ۱

انتهاست (جایبندازند... صحبت کردن از شورا موضوع تازه ای نیست. اما مدتی قبل از قیام این تشکلات... مطرح کرده بودیم و سپس نیز بدفعات بر آن تاکید کردیم و بعد ها هم گفتیم که شوراها در جریان قیام بهین ماه موجود اند و در اکثر خواست توده مردم برای اعمال قدرت خودشان، یعنی تصمیم گیری و اجرای آن تصمیمات توسط نمایندگان منتخب خودشان شکل گرفتند، شوراها از طرف مردم (کارگران، دهقانان، پرسنل انقلابی، کارمندان و غیره) بوجود آمدند تا جای خالی قدرت را بهم پاشیده و رژیم شاه را بر سر کنند و خواستهای صنفی و سیاسی آنها را به اجرا در آورند...

اما اینکه مجلس خبرگان و شوروی انقلاب که خواستهای تاملات و نظریات روحانیت را بیان می کنند، شوروا را پذیرفتند و دولت را و اداره قبول اجرای آن کردند... مسئله دیگری است که جادارده به سلسله انبیا بر دازیم...

به نظر ما مهمترین علت پذیرش شوروی از طرف حاکمیت سیاسی قشاز شده پدیده توده مردم بود که به "فتار از این صنفی است دولت و شوروی انقلاب مدتهای زیادی سعی کردند قضا را بر سبیلی در کنند و به فریاد های توده مردم توجهی نکنند و تا حدودی هم موفق شده بودند به مردم بیگمانند که گوششان این حرفها را نمی شنود... اما مردم که مدتها مبارزه کرده بودند و تا حدی آگاه شده بودند و می خواستند در تصمیم گیری و اجرای انقلابی آن سهم باشند... نیز حاضر بگویم تا آمدن نبودند... آنها هم تریا اینجا و آنجا فریاد خود را بلند کردند...

از طرف دیگر سازمان مجاهدین خلق ایران سازمانی موفقتاً از مردم که خواست های مردم را تکیه و ضد امپریالیستی مردم را بیان می کنند، به تبلیغ این شعار توجه داشتند و اینجا و آنجا در هر فرستی که پیش می آمد، آن را ترویج میدادند. آن است البته مطالباتی که مردم در پی داشتند از سازمانها تا آخرین روزهای حیات سازمانها را مبلغ و دفاع این خواست توده مردم بود و همین امر باعث شد که آخرین نظمی قوی شدیدا دولت را مقید کرد که گوش را به روی این خواست مردم باز کند و "تبلیغات" و سخن را آغاز کند...

مطلب دیگری که باعث شد دولت با این شعار تریا پدید آورد آنرا بخش مردمی کارخانجات بپذیرد آن بود که شوراها تمام افراد شاغل در یک واحد تولیدی را در سر

علی محمد عرب

"نماینده کارگران ایران در مجلس خبرگان" را...

مبارها تغییر کرد و مردم زحمتکش ما به تصور اینکه پس از تحمل سالها فشار و زور دیکتاتوری این بار می توانند با خیال آسوده نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنند به پای صندوقها رفتند ولی به استثناء چند نفر که واقعا مورد تأیید مردم بودند بازم وکلای "فرمایشی" از صندوقها بیرون آمدند و شواهد نشان می دهد که درین این "فرمایشی ها" هستند افرادی که گوید دارند نقش همان ساواکی های قبلی را بازی می کنند و بخصوص آنها که با طبقه کارگر سروکار دارند خیلی آشکارتر و با وناحت تمام خود نقش پلیس سیاسی را بر عهده گرفته اند و دیگران را علنا بر جاسوسی و تعقیبش عقاید و کشف منبع نشریات مترقی ترغیب و تشویق می کنند... ما در زیر نمونه سندی را می آوریم که حاکی از فعالیت های پلیسی علی محمد عرب نماینده قلابی کارگران در مجلس خبرگان است...

در این سند علی محمد عرب وقیحانه از کارگران می خواهد حرفه او را انتخاب کنند و علیه یکدیگر عجز چینی و جاسوسی کنند... این سند نشان می دهد که این آقای نماینده چنانچه بهیاد است یکی از خبرگان خونه جاسوسی و پلیسی بوده و زیر پوشش اسلام کثیف خدمت سرمایه داری را از بیخ و بن انجام می دهد... در روزی پایتخت و اینها... به چهره های پرتوان و انقلاب آفرین کلیه کارکنان شرکت با افکار اعم از خواهران و برادران عزیز بنا به آیه شریفه فوق الذکر برای تسریع کارهای هراجماعی خاصه که در جهت احقاق حق و خداگونه باشد هر یک از جامعه و نمایندگان آن وظایف خاصی در مقابل یکدیگر عهده دار می باشند که کلیه آن وظایف در دو مطلب خلاصه می شود. اول هشدارهای حساب شده و صحیح درباره کلیه امور اعم از اقتصادی، معنوی، فرهنگی، سیاسی و سرکوبی دشمن به وسیله اعضا شورای نمایندگان... دوم توجه افراد آن جامعه به تعیین خط مشی ها و فرامین نمایندگان با اعضا شورا...

اینجانب علی محمد عرب که یکی از اعضا شورای شامی باشد به فرد شما هشدار می دهم که چپ نمایان زمانی که بنده در آن شرکت بودم نشریه ای به نام "نساج مبارز" در آنجا پخش می کردند که عامل اصلی آن معلوم نبود... والان آن نشریه را توسعه دادمانند تبدیل به مجله نموده با مارک چپی ها که به حمد الله حامل و عامل اصلی آن هم برای اعضا محترم شورا وهم برای بنده شناسائی شده است... لذا تقاضای بنده از فرد کارگران مجاهد این است که تسلیم نخواهند شد... از این روی رژیم جدید آفرین مرکزی نیز آماج مبارزات بی ایمان خلق خواهند بود... تقصیر بگواس با شکلی که صورت پذیرفت تا در فرونشاندن آن مبارزات نخواهد بود...

استعمار کرانه اش راه نابودی تهدید می کرد دست به کار تهیه زمینه کودتای اخیر شد... آری دیگر دوران تکیه امپریالیسم بر دیکتاتورهای بی برده و سرکوبگر و مزدوران شناخته شده اش به سر آمده است و آخرین امید غارتگران برای حفظ سلطه استعماریشان روی کارگران... مهربانان شناخته ای است که کمتر مورد تنفر ملت باشد و این همان سیاست مزدورانه ای است که جهت منحرف ساختن مبارزات توده ها و فریب آنها به کار گرفته می شود... سیاستی که با پدید آمدن تجربه امپریالیستها در مقابلها... جنبشهای انقلابی در سراسر جهان دانست... امپریالیستهای خواهند ساختی که ممکن است از تکرار درد سیرانی که با پشتیبانی از رژیمهای چون سوئول شاه... سومرواد دیگران دامن گیرشان شده است جلوگیری کنند...

رفتن بان اسمیت و آوردن حضرت اسقف موزوروا هم صرف نظر از ویژگیهایی که دارد نمونه ای از همین سیاست است اما سر نوشت تمام این رژیم ها و تمام حمله گیری ها و توطئه های امپریالیسم به شهادت تاریخ مرگ و نابودی است... پیروزی از آن خلقهاست... هر چند امپریالیستها و نوکرانشان هرگز به سادگی تسلیم نخواهند شد... از این روی رژیم جدید آفرین مرکزی نیز آماج مبارزات بی ایمان خلق خواهند بود... تقصیر بگواس با شکلی که صورت پذیرفت تا در فرونشاندن آن مبارزات نخواهد بود...

مجلس خبرگان را زیر پرچم اتحادیه های ملی قرار دادیم... در این جلسه ما به عنوان نمایندگان کارگران ایران در مجلس خبرگان اعلام کردیم که ما با این اقدامات و با این روشها و با این سیاستها و با این اهداف و با این روشها و با این سیاستها و با این اهداف و با این روشها و با این سیاستها... (تکرار متن در متن اصلی)



نمونه سندی از فعالیتهای پلیسی علی محمد عرب

شورا باید به دو نکته مهم همواره توجه کامل داشته باشند - بقاء شرکت... رسیدن کارکنان آن به حقوق طبیعی خود که این دو همواره لازم و ملزوم یکدیگر و از هم تفکیک ناپذیرند و باید افراد توطئه گروا که مسیرشان از اسلام و انقلاب جدست ارشاد کنند و چنانچه متنبه نشوند اعم از کارگر و کارمندان را اج کنند و از داخل شدن خبرنگاران و مکاسان که مورد اطمینان نیستند جلوگیری نمایند و از صاحبها با افراد مفروض توطئه گسر خودداری نمایند... انجام کلیه دستورات مذکور مقدمه ای است برای به حقوق طبیعی خود رسیدن و در رتانی نظم و آرامش در همه جای ملک حکم فرمادادن و ثالثا شرکت کردن نمایندگان کشاورز و کارگر در آینده در مجلس شورای ملی و کفدراسیونها ی بین المللی...

روزنامه جمهوری اسلامی
شنبه ۳۱ شهریور
در نتیجه نه تنها آقای بهشتی بلکه خود برادر عرب بهتر از هر کسی دیگری می دانند که مقصود از "اهداف مشروع" و "تنظیم و امنیت" برای "کلیه موسسات و کارخانجات" چیست و "توجه کامل به بقاء" این شرکتها را در شرایط و وضعیت کنونی و با توجه به روابط حاکم ما بین کار فرما و کارگران یعنی چه... و احتیاج به توضیح ندارد که در شرایطی که حوضانه ترین اشکال استعمار و سدیترین فشارهای اقتصادی بردوش کارگران و کشاورزان مانسکتی می کند این اصول را به عنوان وظایف اساسی کارگران و کشاورزان قرارداد و "انجام کلیه دستورات را وسیله رسیدن به حقوق طبیعی" آنها دانستن... همراه با همه فرامینی که در واقع برای اخراج عناصر آگاه از درون کارخانه ها صادر شده تا چه حد فریب توده های ناگاہ است و تا کید به اینکه چگونه با تفسیرهای جورواجوز از قرآن کارگران و کشاورزان راه اطاعت کورکورانه از کارفرماهای خون آشام مجبور سازند...

شاه دیگری نیست اما...

بقیه از صفحه ۱

کودتا اعتراف نمودند با بی شرمی ماهیت امپریالیستی کودتا را افشاساختند... بگواس در سال ۱۹۶۵ با دانشنامه تابعیت فرانسوی به ریاست جمهوری آفریقای مرکزی برگزیده شد و در سال ۱۹۷۶ خود را به مقام امپراطوری ارتقاء داد... در راه تامین مصالح اربابان جهانخوارش همچون سایر مزدوران از هیچ جنایتی فروگذار نکرد... او با وضع قوانین قرون وسطایی و فقر بردگی را بر اکثریت مردم کشور که از بزرگترین تولیدکنندگان الماس و طلاهای آفریقای می باشند، تحمیل کرد... مبارزات ضد استعماری و آزادبخش مردم آفریقای مرکزی که به ویژه در ارتباط با جنبشهای خلقهای چاد-سودان-کنگو-برازاویل از زمینه رشد مساعد برخوردار بود به وحشیانه ترین شکلی سرکوب می شد و وحشیانه ترین گروه تکلیسی جلوگیری می شد... کشتارهای دسته جمعی از مردم معترض و بی گناه آمده در این کشور از جمله کشتار دانش آموزان یک دبیرستان در "بانگی" یکی از افتخارات بزرگ این امپراطور به شمار می رفت... محریان قوانین امپراطوری که خود حافظ امنیت و جهانگیری و غارت ثروتهای بی کران خلق بودند افرادی را که از فرط گرسنگی و فقر برای لقمه نانی دست به سرقت می زدند... ملاه هم تازیانه بیاوردن می زدند... جنایات این مزدور آنچنان کینه خلق را برانگیخت که دیگر برای امپریالیسم فرانسه حمایت آشکارا از این امپراطور به سرف نمود و همین دلیل از ترس و اجبگی مبارزات مردم که بی شک سلطه

استعمار کرانه اش راه نابودی تهدید می کرد دست به کار تهیه زمینه کودتای اخیر شد... آری دیگر دوران تکیه امپریالیسم بر دیکتاتورهای بی برده و سرکوبگر و مزدوران شناخته شده اش به سر آمده است و آخرین امید غارتگران برای حفظ سلطه استعماریشان روی کارگران... مهربانان شناخته ای است که کمتر مورد تنفر ملت باشد و این همان سیاست مزدورانه ای است که جهت منحرف ساختن مبارزات توده ها و فریب آنها به کار گرفته می شود... سیاستی که با پدید آمدن تجربه امپریالیستها در مقابلها... جنبشهای انقلابی در سراسر جهان دانست... امپریالیستهای خواهند ساختی که ممکن است از تکرار درد سیرانی که با پشتیبانی از رژیمهای چون سوئول شاه... سومرواد دیگران دامن گیرشان شده است جلوگیری کنند...

حق تعیین سر نوشت خلقها ضامن وحدت و یکپارچگی است

علت انقلاب چه بود؟

گزارش یکی از جلسات شورای کارخانه درمن دیزل تبریز توسط یکی از کارگران

رو چهارشنبه ۲۱ شهریور کارگران برای انتخاب اعضای جدید شوراتمیز گوی درمورد هنرور از عمل سرمایه داران جلسه ای تشکیل دادند.

ابتدا یکی از روحانیون تبریز به نام بنایی که برای بازدید به کارخانه آمده بود پشت تریبون قرار گرفت و گفت:

"انقلاب ایران یک انقلاب سیاسی نبود. زیرا اکثر مردم ماناگاه بودند و هیچکس انتظار نداشت یک مرتبه به خیابان هاربخته علیه دستگاه حاکمه شعار بدهند. حال بهینیم علت انقلاب چه بوده است؟"

طبق اظهارات آقای بنایی علت انقلاب ایران هنوز برجسته نشان داده نیست و چون ۵۰ سال خفقان در کشور مانع از رشد آگاهی سیاسی ملت ایران شده بود و ملت نمی توانست موضوع مملکت را با خبر باشد. ایشان با بیان مقدمه چینی علل انقلاب ایران را طبق نظرات خود اینطور توضیح دادند:

"ملت ایران ناگاه بود و ما نمی دانیم چطور شد یک مرتبه مردم به خیابانها ریختند و ملی مردم به دین خود متعصب و مغد مراجع دینی می باشند و وقتی ما از مردم می پرسیم چرا انقلاب کردند؟ می گویند رهبر ما بطور خواست و ما نیز اینکار را کردیم."

وی اضافه کرد:

"بله، ما برای دین انقلاب کردیم. نه برای پائین آوردن قیمت خواروبار هندو وانه و هزینه. ما در آن موقع کارخانه ها را تعطیل کرده و ادارات و بانکها را آتش کشیدیم زیرا اینها مال خان بود ولی الان همه چیز به معلق دارد. الان انقلاب خاتمه یافته و دوره سازندگی است و کم کاری خیانت است. ما نباید به مناقصه جزئی اهمیت بدهیم. اگر حقوق ما ۵ یا ۱۰ تومان کم و زیاد باشد اهمیت ندارد. سبب مسئله هنرور پیش کشیده شد. یکی از کارگران گفت:

"این آقای هنرور موقع آمدن به کارخانه هیچی نداشت مانی دایم چطور شده الان وی بنیز صد هزار تومان دارد و ما هیچی نداریم؟"

آقای بنایی برای طفره رفتن از پاسخ با عجله گفت:

"من نمی دانم. اصولا این حرفها به ما مربوط نیست. من اوزونی شناسم. شما پرونده این شخص را به دادگاه انقلاب اسلامی بدهید دادگاه درباره اوقضاوت یکی از کارگران گفت:

"همه می دانند که ما از زبان رژیم تاکتون علیه دزدی ها و خیانت های هنرور مبارزه کرده ایم ولی هنوز نتوانسته ایم او را برای اعمالش برسانیم. دبروز هم به کمیته شریانی رفتیم. اگر ما بکشیم من می گویم همه بدانند که شریانی طرفدار هنرور است و من دیدم مرتب از او طرفداری می کرد. یکی از اعضای شورا هم این موضوع را تأیید کرد."

خواهد کرد.

"یک کارگر در جواب گفت:

"آقای بنایی. حالا شما در جمع ۴۵ نفری هستید و می بینید همه با آغراج وی موافق هستند. مگر نظر ۴۵ نفری که این فرد را می شناسند، کافی نیست؟ وانگهی، ما یک ماه است پرونده را به کمیته فرستاده ایم ولی تاکنون رسیدگی نشده است."

در اینجا آقای بنایی که به نظر می رسید شیدا مصیاتی است با لحن مسخره آمیزی گفت:

"شما با خواب بودید یا به حرف من گوش نکردید. من گفتم پرونده را با حضور اعضای شورا به دادگاه انقلاب بفرستید نه کمیته. چون کمیته مرجع نیست. در این موقع بین کارگران همیشه در گرفت. یکی از آنها گفت:

"آقای بنایی، شما می گویند به کارهای جزئی نپردازیم پس چرا به مسئله این هنرور که در حدود یک ماه است وقت کارگران را گرفته و تا به حال چندین جلسه در این مورد تشکیل شده است؟ می گویند؟"

بنایی، "بله من هم همین را می گویم" یک کارگر، "آقا، چند بار به مراجع گفته ایم ولی رسیدگی نمی شود. در این موقع یکی از کارکنان که خشمگین شده بود گفت:

"آقایان، آخر چه مرجع؟ اصلا مرجع چه کاره است؟ تا به حال چهار مرتبه مراجع به کارخانه آورده ایم، نتیجه ای حاصل نشده. این دفعه استناد را باوریم بهینیم او چه می گوید؟"

در اینجا بنایی بسیار با فروخته شده گفت:

"جناب اجل اشرف، بنده به دعوت کارگران اینجا آمده ام و از آن گذشته این ماه است که به خود استناد دارم کمک می کنیم و هر جا من رفتم ام توانسته ام موثرتر از آقای استنادار باشم. یکی دیگر از کارگران گفت:

"همه می دانند که ما از زبان رژیم تاکتون علیه دزدی ها و خیانت های هنرور مبارزه کرده ایم ولی هنوز نتوانسته ایم او را برای اعمالش برسانیم. دبروز هم به کمیته شریانی رفتیم. اگر ما بکشیم من می گویم همه بدانند که شریانی طرفدار هنرور است و من دیدم مرتب از او طرفداری می کرد. یکی از اعضای شورا هم این موضوع را تأیید کرد."

پاسخ يك كارگر به وزير شهرسازی

در مورد دستور تخلیه خانه های صادره شده

فروانی دارد می خورد نه به درد عده ای که به خاطر عواقب ناشی از انقلاب که همه آنها متوجه طبقه محروم گردیند که می بایست بازنگین چنین عوامل سرسپرده سرمایه داران را به دوش بکشند و در کمیته های عنوان ضد انقلاب تعقیب و محاکمه شود.

آقایان! خیال خام در سردارید. اگر ما زیر بار حرف زور می رفتیم دژ غیمان رژیم گذشته پایه فراغی گذاشتند. ما که چیزی نداریم در مقابل نبرد از دست بدهیم. برای ما مردن بهتر است از مترو گریزی و تهدید و آزار عده های وابسته به سرمایه داری کثیف عوامل رژیم گذشته که بود که با سر کردن سینه خود در مقابل رگبار گلوله هالزره براندام دژ غیمانی انداخت و با بناتر خون زنان و مردان واقعی این انقلاب را به وجود آورد. که شاهها در پشت میزها پنهان بنشینند و لایحه تصویب کنند و وام های هزار تومانی بدهند که مردم فقیر و بیچاره را به طرف نیستی تمام عیاری سوق دهد. آری ما می دانیم که این مبلغ کرایه منزل نمی شود؟ شما که توصیه می کنید صبر انقلابی داشته باشید و به فکر ما دست نزنید جواب این گردنکشان پول پرست را که خواهد داد، با تهدیدهای آنان چه می کنید؟ مگر نه اینکه مسکن جزا و لیسین ما محتاج یک فرادست آبا ما که بیگانه و بی پول نداریم می بایست به خاطر ندانیدن کرایه منزل آنجا را تخلیه نمائیم تا سرسپردگان رژیم مغرور گذشته چک های کلان مستغلات خود را تمام و کمال در خارج دریافت کنند و به عیاشی بپردازند و به ریش من و امثال ما بچینند که بیبند و بگریزیم که انقلاب شده پول زبان بستر ازمعق مملکت انقلابی برای ما حواله می کنند. آبا شما بر چنین اعمال کثیفی صدمه می گذارید؟

مردان زورانی که همیشه و در همه حال جان برگ انقلاب را ستن را به سر رسانیدند بشنظرنده که در نهایت رفاه

قبل از اینکه مطالب را بنویسم شاهد خود را گفته و برای هر نوع تهدید یا آماده ام. زیرا اینهاست که انقلاب واقعی را انجام داده اند ما بهاست از زور ستم صاحبخانه ها و طلبکاران بی دین به جای سه وعده غذا بالقوه نان و پنیر و روزانه شب می رسانند. شاهها که در پشت میزهای چند هزار تومانی نشستند و می گویند فعلا سزادگی مهم است نه مادیات آیا همه را مثل خود می دانید که دارای خانه ای و بلائی با کلیه تجهیزات رفاهی و آخرین مدل اتومبیل و رفتن سفرهای فصلی به کشورهای خارجی. آبا شما که تاکنون با صاحبخانه های مواجه شده باشید که به خاطر نداشتن کرایه منزل شما را تهدید کنند و آب و برق را به روی شما قطع نماید. آبا تاکنون از بانک اسلامی (به گفته خودشان) وام گرفته اید که به اندازه آنکه نتوانستید به موقع آنرا بپردازید (به علت بیگاری) از شما بخواهد که فرزند زبیری بجهایبان را به عنوان گروه خدمت آقای رئیس بانک اسلامی بگذارید و تا او شده به شانه ت برنند چنانچه روی کار کنید در مملکت کارفروان است؟ می گویند بروید کارگری کنید و با این احوالات انقلاب اسلامی ما را لکه دار نکنید. به چه موهبی آقای مسئول فلان کمیته در مورد اختلافات مالک و مستاجر دخالت می کند و وقتی منافع آریا باش را که هم اکنون در آمریکا مشغول خوشگذرانی است کمی به خاطر می افتد به شدت ناراحت می شود و قانون اسلام را به رخ مردم می کشد و از سرمایه داران و مالکانی که سالها خون مردم را مکیده اند و با میلموستانمان پایه فرار گذاشته اند. دفاع می کنند و در مقابل دوستانشان که همه جزواشخامی بودند که از همین ارباب حق دلالتی و سبب می گرفتند. مردم را تهدید می کنند آقا منزل را خالی کن. به حق کسی تجاوز نکند و صد ها نصیحت بی چاه که همه آنها به درد آنهاست که حسابهای بانکی

اخبار جهان

اعتصاب کارگران برای افزایش دستمزد در هلند

در حدود ۱۵۰۰ کارگر با ابعاد در بندر آمستردام و نزدیک به ۳۰۰ کارگر کارخانجات کنسرو مواد غذایی هلند برای افزایش دستمزدها دست از کار کشیدند.

اعتصاب کارگران بارانداز بندر آمستردام سرمایه داران را در روز شنبه و سه شنبه مجبور به پذیرفتن مذاکره با اتحادیه های کارگری برای رسیدگی به خواسته های کارگران کرد.

موج اعتصابات در ایتالیا

همچنین ۱۸۰ هزار کارگر حمل و نقل عمومی ایتالیا در روز ۲۶ شهریور ۵۸ اعتصاب ۲۴ ساعته دست زدند. در پی این اعتصاب موضع ترافیک در این کشور مختل شد.

این اعتصاب در پی درخواست اتحادیه کارگری برای انعقاد یک قرارداد جدید کارکنان دولت ایتالیا صورت گرفت.

تظاهرات علیه رئیس جمهور نظامی السالوادور

در پی بورش و خشونت گار د با معلاج ملی السالوادور، تظاهرات کارکنان ضد دولتی، در روز ۲۵ شهریور ۵۸ در سان سالوادور که فریادی زدند "قیام تنبهاره نجات است" و کشته شدن تعدادی به شماری از مردم السالوادور، رژیم نظامی کارلوس زوهرو "یک گام به سقوط نزدیک شد."

در این میان جولیو فلورین بر سر "بلوک انقلابی خلق السالوادور که شامل اتحادیه دهقانان، کارگران و دانشجویان است، خواستار استعفا ی رئیس جمهوری نظامی این کشور شد و اعلام کرد که تظاهرات خیابانی ضد دولتی همچنان ادامه خواهد یافت.

بقیه از صفحه ۸

تلفات سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به جنبش آزادیبخش خلق آنگولا "مبلا"

گرامی باد

یاد رفیق آگوستینو تو...

و در راه مبارزه برای رهائی ملی مصر و می کنند بی تأثر و آراست. رفیق نسو نمونه یک انقلابی راستینی بود که عشق به توده های مبارزه پیوست. وی با اعتقاد به اندیشه های سترک مارکسیسم - لنینیسم مبارزه قهرمانانه خلق آنگولا را در "جنبش آزادیبخش خلق آنگولا" "مبلا" علیه استعمارگران پرتغالی رهبری نمود و توانست با قدرت لایزال توده ها و پیشانی بی دریغ همه نیروهای ترقیبخواه جهان استعمارگران را از آنگولا بیرون براند.

پس از پیروزی رفیق نتو و در راه وحدت انقلابی خلق آنگولا و علیه نیروهای ارتجاعی داخلی که شورش عظیم نمودی با اعتقاد به ادامه انقلاب تا سوسیالیسم هواره با تمام تلاشهایی که برای به شکست کشاندن انقلاب آنگولا انجام می گرفت به گترانه مبارزه نمود. وی در مبارزه برای رهائی آنگولا همواره به رابطه تنگاتنگ مبارزه خلق آنگولا و سایر خلقهای تحت سلطه افریقا و نیروهای ترقیبخواه جهان تا کید می کرد و هر روز در مستحکم نبودن نیروهای مبارزاتی با انقلابیون "نامیبیا" زیمبابوه و افریقای جنوبی و سایر خلقهای قهرمان افریقا مجاهدت می نمود.

در گذشت رفیق نتو یک ضایعه ملی برای خلق کبر آنگولا به شمار می رود. ولی ما با این داریم که رهنمودها و میراث انقلابی این انقلابی کبر همواره ستاره ی راهنمای خلق آنگولا خواهد بود. خلق ایران و نیروهای انقلابی در گرامیداشت یاد این مبارز راه آزادی خلقها با خلق آنگولا خود را سبب می دانند.

آیا ایران به اسرائیل ...

بقیه از صفحه ۸

تحویلی به کشتی بریتیش ترینت که در تاریخ ۱۴ / ۶ / ۵۸ از اسکله شماره ۵ خارک بازگویی نموده و به مقصد عین الفخفا حمل گردیده است برای چه کشوری است؟ تحقیقاتی که به عمل آمده است مقصد فوق یعنی عین الفخفا در کانال سوئزی باشد. و جزو بنادر کشور مصر می باشد. از طرفی دولت ایران با مصر روابطی ندارد و این یک علت مشکوک می باشد که آیا این طریق اسرائیل تغذیه نمی گردد؟ آنچه چیزی تضمین کننده این موضوع است که از طریق اسرائیل بطور غیرمستقیم نفست داده نمی شود. با توجه به اینکه بعد از انقلاب تاکنون کشتیهای مختلفی برای این مقصد بازگویی نموده است. همچنین کشتی اجدید تاریخ ۱۱ / ۶ / ۵۸ از اسکله ۱۱۲ خارک نفت برای مقصد نامعلومی می برد. بعد از چند روز مقصد آن از تهران به خارک گفته می شود و سپس ی و این هم خود یکحا ل متشکک می باشد چون قبل از انقلاب فقط کشتیهای اسرائیل بدون مقصد بودند که بعد از عددن به آنها گفته می شد.

خواهشمند است این موضوع را روشن نموده تا حالت مشکوک بودن برای عده های از کارکنان که در امر صادرات نفت نقش مهمی دارند، از بین برود. بانسکر اداره نظارت بر صادرات مواد نفتی ناحیه جاده صادرات خارک

اگر دولت موقت از آن روزها ملات تجاری شرکت ملی نفت ایران و افریقای جنوبی (با توجه به مذاکره که ارائه شده بود) اظهار می اطلاع می کرد مطمئنا حالا باید بداند که محموله کشتیهای بریتیش ترینت و اجدید را می کدام کشور امیربالیستی و صهیونیستی است؟ اگر بازهم نمی دانند شاید متن خبری که خبرگزاری رویتر مخابره کرده است تا حدودی روشنگر قضیه باشد. چون اگر وقت کنیم قرابت زیادی بین قرارداد مصرو اسرائیل، بر سر فروش نفت سینا و کشتی هائی که از ایران به طبرف مقصد عین الفخفا در کانال سوئز حرکت کرده است وجود دارد.

متن خبر خبرگزاری رویتر بیت المقدس - رویتر ۲ شهریور ۵۸ مناخیم بگین نخست وزیر اسرائیل دبروز گفت که امکان خرید نفت از مصر در ملاقاتش با انور سادات که ماه آینده در حیفا صورت خواهد گرفت، مسود مذاکره قرار خواهد داد که وی به کمیته دفاع و امور خارجه پارلمان اسرائیل گفت که امکان خرید نفت از جاهای سینا و سالد نفت را با سادات مورد مذاکره قرار خواهد داد. مقامات دولت اسرائیل اظهار امیدواری کرده اند که سالانه دو میلیارد تن نفت از جاهای نفت سینا که قرار است تا پایان سال جاری به مصر تحویل دهد خودداری کنند.

سلب آزادی مطبوعات زمینه ای برای سرکوب خلق

کنفرانس وحدت با موضوع گفتری سیاسی خود در کردستان
بازارتجاعی ترین جناح هیات حاکمه همداشته است. (قسمت دوم)

مسئله ملی در کردستان از مبارزه طبقاتی خلق کرد جدا نیست

در شماره قبل موضع ارتجاعی "کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر" را در رابطه با مبارزات خلق کرد مورد ارزیابی قرار دادیم و گفتیم که چگونه "کنفرانس وحدت" با دیدگاههای التقاطی خود و جسپیدن به ترانحرافی و مرتجعانه سوسیال امپریالیسم هنوز تکلیف خود را با صاف نیروهای انقلاب و ضد انقلاب، با صاف نیروهای مترقی و مرتجع روشن نکرده است و بدون اینکه عملاً در مبارزات توده‌ها شرکت داشته باشد، تنها با اتکا به عبارت پردازی های کلیسی و فرصت طلبانه به همصدائی با ارتجاعی ترین جناح هیئت حاکمه و ادار شده است. حال در این قسمت ضمن اینکه نمود عملی این دیدگاه التقاطی را در رابطه شخصی با مبارزات خلق کرد بررسی می کنیم موضع خود را نسبت به حزب دموکرات کردستان نیز روشن نمودیم و در رابطه بین مسئله ملی و مبارزات طبقاتی خلق کرد را به اختصار شرح خواهیم داد.

متحد کنید؟ و چرا می خواهید همه را در آن واحد به جنگ با خلق کرد بکشانید؟
تصریح می کنیم خطرناک ترین و خبیثت کارترین نیروهای ارتجاعی سازمان یافته گنرد "قباده موقت" است. (تاکید می کنیم نیروی کرد) و بر این اساس می توانیم بگوئیم که در راه افشاکاری و شناساندن ماهیت آن بیگانه و بیش از همه تلاش کرده ایم. بگونه‌ای که امروز دیگر قیاده موقت از صفوف خلق کرد کاملاً بیرون رانده شده و ماهیت ارتجاعی

کوشش در جهت عمده کردن مسئله ملی و تحت پوشش آن به استقبال آشتی طبقات رفتن یک سیاست کاملاً بورژوازی است.

روایتی آن به امپریالیسم و صهیونیستی اسرائیلی افشاگر دیده است. با این همه در شرایطی که جنایات ارتجاع حاکم اینگونه در کردستان بیداد می کند، نباید خلق کرد را با بیگانه زیر شعار پیش می روی اخراج قیاده موقت "کشید و بدین وسیله نیروهای مبارز کرد را غافلگیر کرد. این شعار در این شرایط چنانچه ناشی از بلاهت سیاسی نباشد (که به اعتقاد ما هست) توطئه آگاهانه است علیه خلق کرد.
سازمان مادر روزهای قبل از او جگر می تشنجت در کردستان، در فاصله تیر و مرداد، ضروری می دانست که موضع خود را در مقابل تحلیل ها و خط مشی های سازمان های سیاسی کردستان اعلام نماید. اما با بحرانی شدن اوضاع و قشون کشتی گسترده ارتجاع به کردستان مایه درستی به این نتیجه رسیدیم که در آن روزهای حساس هر تحلیلی که بهانه بدست نیروهای ارتجاعی وابسته به بورژوازی و خورده بورژوازی داده و وسیله محکومیت نهیست خلق کرد و سازمانهای سیاسی آن قرار گیرد چیزی جز هم نواشی با هیات حاکمه نخواهد بود و بی شک چنین برخوردی در آن روزها برخوردی بی نهایت فرصت طلبانه بود. این برخورد ها همان برخوردی است که حزب توده در کاربست آن مهارتی خاص یافته است.

بعلاوه ما خود را موظف می دانستیم در برابر تلاش وسیع رژیم برای لجن مال کردن حزب دموکرات و از آن میان ساز کردن راه برای سرکوب نهیست خلق کرد به دفاع از آنها برخیزیم این شرط صداقت انقلابی بود و می بایست با صراحت و روشنی تمام بیان می شد.
کنفرانس وحدت در یک موضع ارتجاعی چنانکه گفتیم چنین نکرد و حزب توده با آن بزرگم انگیزش به در پیوستی ارتجاع رفت که "می بیند ما نیستیم پس چرا ما را ازیت می کنید؟" همه شنیدند که اولی دموکراتها را "جاسوس عامل بیگانه" معرفی کردند و دیگری مقاومتی خلق کرد و سازمانهای سیاسی آن را "مذبذبه تحت عنوان خرنگ کن" صد

برای پرولتاریا با موضوع مهم عبارت است از تحکیم طبقه خویش بر ضد بورژوازی و تربیت توده ها با روح دموکراسی پیگیر سوسیالیسم

انقلاب "کشید و بدین کردیای خد را از ما جاسوس بکشید."
مادافع از سازمان انقلابی زحمتکش کردستان، حزب دموکرات کردستان و سازمان فدائی و سایر نیروهای نهیست مقاومت خلق کرد را در برابر دولت مرکزی و ارتجاع حاکم و طبقه همسه نیروهای مبارز و انقلابی می دانیم و اعلام موضع قاطع در برابر خواست خود مختاری خلق کرد و تائید قاطع حق تعیین سرنوشت خلق کرد را در انضمام و اقرار پرولتاریائی می شماریم و در بیانیه کردستان در شماره شماره های نثریه کار نیز ما بر همین اساس حرکت کرده ایم.
ما به صراحت نشان داده ایم که آنچه رژیم در مورد حزب دموکرات

دنباله روی بی قید و شرط حزب توده از دولت شوروی (که به اعتقاد ما این انتقاد نه ناشی از اعتقاد به برتسب های مارکسیستی که ناشی از عملکرد کرایش ناسیونالیستی در همین جناح به اصطلاح مارکسیست است).
۲- سیاست دنباله روانه حزب توده را از حاکمیت موجود نفی می کنند و پذیرش درست رهبری روحانیت از جانب حزب توده را به زبان جنبش ترقی خواه خلق می شمارند (دلیل این موضع حزب دموکرات نیز ناشی از موقعیت انقلابی موجود در کردستان و همچنین سیاست تنگ نظرانه، انحصار طلبانه و سوسیالار خصمانه ای است که ارتجاع حاکم در کردستان در پیش گرفته است).

۳- معتقدند رهبری حزب توده که از کنگره دوم حزب در ۳ سال پیش تا امروز در رأس کارها بوده است صلاحیت رهبری ندارد و باید کنار برود.
۴- از آنجا که ما معتقد نیستیم حزب دموکرات کردستان یک جریان مارکسیست لنینیست است ما از درون جنبش کمونیستی ایران قرار نخواهیم داد. ما جریان دموکراتیک با گرایشات لیبرالیستی است و عمدتاً متکی به اقتدار مطلق خلق کرد است و برای حل مسأله ملی در کردستان مبارزه می کند. این حزب تا امروز کلاً در چهار چوب کلی نیروهای جنبه خلق در ایران قرار داشته است.

برخورد ما با این حزب باید لزوماً بر پایه این شناخت قرار گیرد. هر نوع ارزیابی نادرست از آن موجب می شود که به همکاری و اتحاد نیروهایی ترغیب شود در کردستان آسیب های جدی وارد آید. برخورد کمونیستی با حزب دموکرات باید بر پایه غلطی و سیاست آن حزب صورت گیرد و نه بر پایه مبارزه با بورژوازی. در درون آن مبارزات باید از آنان از مارکسیسم لنینیسم بلکه برای توضیح ماهیت خورده بورژوازی و دموکراسی غیر پرولتاریائی برای جنبش کمونیستی ایران است. زیرا شرط اتحاد نیرو با حزب دموکرات دقیقاً در همین مرز بندی قاطع نهفته است. حزب دموکرات حزبی است معتقد به سازش طبقاتی و تخفیف مبارزه طبقاتی در کردستان و حال آنکه برای هر مارکسیست لنینیست گسترش مبارزه طبقاتی و کانالیزه کردن آن تحت رهبری جریانهای پرولتاریائی طبقه اساسی است. حزب دموکرات به دهقانان تومینه می کند اکنون که مسئله ملی در میان است درست نیست علیه اربابها و زمینداران اقدامی بکنند. اول مسئله ملی را حل کنیم، بعد به اختلافات درونی خودمان بپردازیم. به اعتقاد ما کوشش در جهت عمده کردن مسأله ملی و تحت پوشش مسأله ملی به استقبال آشتی طبقات رفتن یک سیاست کاملاً بورژوازی است. سیاستی است که نه تنها مسأله ملی را حل نمی کند بلکه اتکا به زمینداران و بورژوازی کرد با است می شود که چرخ مبارزه ملی نیز کند تا شود و خیانت آنان فرستد. پیشرده مبارزه را از خلق کرد بازستاند.

عمده کردن مسئله ملی منحصر به دموکراتها نیست. خلق کرد همواره در سطوح متفاوت تحت تاثیر ناسیونالیسم قرار دارد که طبیعتاً ناشی از استم ملی است. هم اکنون به ویژه پس از پیوستن وحشیانه ارتش و پاسداران و کشتار خلق کرد آشکارا تضادهای طبقاتی با رژیم بیشتر به فراموشی سپرده شده و تحت الشعاع مسأله ملی قرار گرفته است. این حاصل پیشرده سیاست سوسیالیستی خورده بورژوازی و بورژوازی ناسیونالیستی که در متن سرکوب و ستم طولانی و سنگین سرمایه داری شتگر در جامعه طبقاتی مسأله سخت خلق کرد را در حصار خود گرفته است.

این شیوه بورژوازی است که همیشه خواستهای ملی خود را در درجه اول قرار دهد و آنها را بدون هیچ تکیه و شرطی مطرح سازد. برای پرولتاریا این خواستها تابع منافع مبارزه طبقاتی است. از نظر تئوری نمی توان از پیش تضمین کرد که آنها این جدا شدن ملت است که انقلاب بورژوازی دموکراتیک را به پایان خواهد رسانید. با برابری حقوق آن با ملت دیگر؟ چیزی که در هر دو مورد برای پرولتاریا مهم است تامین تکامل طبقه خودی باشد. برای بورژوازی بقیه در صفحه ۷

کنفرانس چی هادار اینجانبان است؟
مشت خود را در زمینه همصدائی با ارتجاع حاکم رو نکرده اند. دیدگاه و درکی که ارائه داده اند به غایت بورژوازی و غیر پرولتاریائی است. کجای فرهنگ مارکسیستی برای جمله به یک جریان آنرا "وابسته به بیگانه" معرفی می کنند.
ببینید چقدر و تا کجا آشکارا انترناسیونالیسم پرولتاریائی برپا داشته است کنفرانس چی های ما فراموش کرده اند کی هستند و از چه کسانی دفاع می کنند؟ برای آنان که واقعا در راه آزادی طبقه کارگری رزمند بیگانگان و وابستگی به بیگانه تنها آوازه هائی است که بورژوازی برای تحمیل پرولتاریا و استعمالی کردن خط و مرز طبقات به کار می برد. شعار مارکسیستی های واقعی این است "پرولتاریای سراسر جهان متحد شوید". آوازه هائی چون اجنبی و اجنبی پرستی سلاح کینه و کندی است که بورژوازی علیه این شعار به کار می گیرد. تاریخ ثابت کرده است که میهن پرستان واقعی مارکسیستها هستند. منتها باید دید کدام میهن؟ میهن سوسیالیستی یا بورژوازی؟ مگر نه اینکه مارکسیسم

برخورد کمونیستها با حزب دموکرات باید بر پایه خط مشی و سیاست

حزب صورت گیرنده بر پایه مبارزه با "بورژوازیسم" در درون آن.

منادی و مشوق اتحاد کارگران با پرولتاریای کشورهای دیگر حتی علیه بورژوازی خود است؟ کنفرانس با یکبار بردن این واژه صراحتاً دست اتحاد به سوی بورژوازی دراز کرده است و به طور درستی به راه احزاب غیر اشتراکی انترناسیونال دوم و ایده های مرتجعانه کاتولیکی و جریانهای بورژوازی ناب افتاده است.
بورژوازی اینطور تبلیغ می کند که این خاک میهن است که برای ما عزیز است. ما می گوئیم این مردم زحمتکش میهن ما است که برای ما عزیز است. مردمی که متحد طبیعی همه انسانهای زحمتکش سراسر جهانند. خورده بورژوازی امروز می گوید: اسلام مرز می شناسد و تزویدت اسلامی را مطرح می کند. آنها می گویند وطن ما آنجاست که اسلام حاکم است. و پرولتاریا می گوید ما هم مرز نمی شناسیم. وطن ما آنجاست که نجران هستند.

فقط سرمایه داری است که می گوید: ما مرزی شناسیم. مرزهای میهن ما تا آنجاست که بازارهای فروش آن در دست ما است. مرز میهن ما تا آنجاست که پرولتاریای آن را اجبر کرده ایم. امروز که کنفرانس به این موضع غلطی رسیده است فردا که نبرد طبقات بالاگردد چه خواهد کرد؟ هلوم نیست فردا در برابر اتهامات رنگارنگ بورژوازی چه میگوید؟ در اینجا باید یاد آوریم که میگویند که دنباله روی از احزاب کمونیست سارک شوروا قبل از آنکه وفا داری به انترناسیونالیسم پرولتاریائی بحساب آید مجوز توانائی از تکیه به نیروی بیگانه توده هائی است که بدون اتکا بر آنها انقلاب هرگز به ثمر نخواهد رسید. مجوز توانائی در راه تحلیل هائی است که با دارا هئای عمل به پیشرو پرولتاریا

سرکوب خلقها خواست امپریالیسم و ارتجاع است

بقیه از صفحه ۶

به دنبال تصویب ولایت فقیه خیمه شب بازی مجلس خبرگان ...

روفت و آمدهای زائد "خبرگان محترم" خلاص می شدند.

مجلس بررسی قانون اساسی پس از آن انتخابات قلابی که در محیط تروری و وحشت و اختناق انجام گرفت بالاخره در کاخ "مجلس سنای آریامهری" تشکیل گردید. به خون کشیدن تظاهرات مردم حمله و اشغال و آتش زدن دفاتر سازمانهای

روفت و آمدهای زائد "خبرگان محترم" خلاص می شدند.

مجلس بررسی قانون اساسی پس از آن انتخابات قلابی که در محیط تروری و وحشت و اختناق انجام گرفت بالاخره در کاخ "مجلس سنای آریامهری" تشکیل گردید. به خون کشیدن تظاهرات مردم حمله و اشغال و آتش زدن دفاتر سازمانهای

روفت و آمدهای زائد "خبرگان محترم" خلاص می شدند.

مجلس بررسی قانون اساسی پس از آن انتخابات قلابی که در محیط تروری و وحشت و اختناق انجام گرفت بالاخره در کاخ "مجلس سنای آریامهری" تشکیل گردید. به خون کشیدن تظاهرات مردم حمله و اشغال و آتش زدن دفاتر سازمانهای

روفت و آمدهای زائد "خبرگان محترم" خلاص می شدند.

مجلس بررسی قانون اساسی پس از آن انتخابات قلابی که در محیط تروری و وحشت و اختناق انجام گرفت بالاخره در کاخ "مجلس سنای آریامهری" تشکیل گردید. به خون کشیدن تظاهرات مردم حمله و اشغال و آتش زدن دفاتر سازمانهای

روفت و آمدهای زائد "خبرگان محترم" خلاص می شدند.

مجلس بررسی قانون اساسی پس از آن انتخابات قلابی که در محیط تروری و وحشت و اختناق انجام گرفت بالاخره در کاخ "مجلس سنای آریامهری" تشکیل گردید. به خون کشیدن تظاهرات مردم حمله و اشغال و آتش زدن دفاتر سازمانهای

روفت و آمدهای زائد "خبرگان محترم" خلاص می شدند.

مجلس بررسی قانون اساسی پس از آن انتخابات قلابی که در محیط تروری و وحشت و اختناق انجام گرفت بالاخره در کاخ "مجلس سنای آریامهری" تشکیل گردید. به خون کشیدن تظاهرات مردم حمله و اشغال و آتش زدن دفاتر سازمانهای

روفت و آمدهای زائد "خبرگان محترم" خلاص می شدند.

مجلس بررسی قانون اساسی پس از آن انتخابات قلابی که در محیط تروری و وحشت و اختناق انجام گرفت بالاخره در کاخ "مجلس سنای آریامهری" تشکیل گردید. به خون کشیدن تظاهرات مردم حمله و اشغال و آتش زدن دفاتر سازمانهای

روفت و آمدهای زائد "خبرگان محترم" خلاص می شدند.

مجلس بررسی قانون اساسی پس از آن انتخابات قلابی که در محیط تروری و وحشت و اختناق انجام گرفت بالاخره در کاخ "مجلس سنای آریامهری" تشکیل گردید. به خون کشیدن تظاهرات مردم حمله و اشغال و آتش زدن دفاتر سازمانهای

روفت و آمدهای زائد "خبرگان محترم" خلاص می شدند.

مجلس بررسی قانون اساسی پس از آن انتخابات قلابی که در محیط تروری و وحشت و اختناق انجام گرفت بالاخره در کاخ "مجلس سنای آریامهری" تشکیل گردید. به خون کشیدن تظاهرات مردم حمله و اشغال و آتش زدن دفاتر سازمانهای

روفت و آمدهای زائد "خبرگان محترم" خلاص می شدند.

مجلس بررسی قانون اساسی پس از آن انتخابات قلابی که در محیط تروری و وحشت و اختناق انجام گرفت بالاخره در کاخ "مجلس سنای آریامهری" تشکیل گردید. به خون کشیدن تظاهرات مردم حمله و اشغال و آتش زدن دفاتر سازمانهای

روفت و آمدهای زائد "خبرگان محترم" خلاص می شدند.

مجلس بررسی قانون اساسی پس از آن انتخابات قلابی که در محیط تروری و وحشت و اختناق انجام گرفت بالاخره در کاخ "مجلس سنای آریامهری" تشکیل گردید. به خون کشیدن تظاهرات مردم حمله و اشغال و آتش زدن دفاتر سازمانهای

روفت و آمدهای زائد "خبرگان محترم" خلاص می شدند.

مجلس بررسی قانون اساسی پس از آن انتخابات قلابی که در محیط تروری و وحشت و اختناق انجام گرفت بالاخره در کاخ "مجلس سنای آریامهری" تشکیل گردید. به خون کشیدن تظاهرات مردم حمله و اشغال و آتش زدن دفاتر سازمانهای

روفت و آمدهای زائد "خبرگان محترم" خلاص می شدند.

مجلس بررسی قانون اساسی پس از آن انتخابات قلابی که در محیط تروری و وحشت و اختناق انجام گرفت بالاخره در کاخ "مجلس سنای آریامهری" تشکیل گردید. به خون کشیدن تظاهرات مردم حمله و اشغال و آتش زدن دفاتر سازمانهای

روفت و آمدهای زائد "خبرگان محترم" خلاص می شدند.

مجلس بررسی قانون اساسی پس از آن انتخابات قلابی که در محیط تروری و وحشت و اختناق انجام گرفت بالاخره در کاخ "مجلس سنای آریامهری" تشکیل گردید. به خون کشیدن تظاهرات مردم حمله و اشغال و آتش زدن دفاتر سازمانهای

روفت و آمدهای زائد "خبرگان محترم" خلاص می شدند.

مجلس بررسی قانون اساسی پس از آن انتخابات قلابی که در محیط تروری و وحشت و اختناق انجام گرفت بالاخره در کاخ "مجلس سنای آریامهری" تشکیل گردید. به خون کشیدن تظاهرات مردم حمله و اشغال و آتش زدن دفاتر سازمانهای

روفت و آمدهای زائد "خبرگان محترم" خلاص می شدند.

مجلس بررسی قانون اساسی پس از آن انتخابات قلابی که در محیط تروری و وحشت و اختناق انجام گرفت بالاخره در کاخ "مجلس سنای آریامهری" تشکیل گردید. به خون کشیدن تظاهرات مردم حمله و اشغال و آتش زدن دفاتر سازمانهای

روفت و آمدهای زائد "خبرگان محترم" خلاص می شدند.

مجلس بررسی قانون اساسی پس از آن انتخابات قلابی که در محیط تروری و وحشت و اختناق انجام گرفت بالاخره در کاخ "مجلس سنای آریامهری" تشکیل گردید. به خون کشیدن تظاهرات مردم حمله و اشغال و آتش زدن دفاتر سازمانهای

روفت و آمدهای زائد "خبرگان محترم" خلاص می شدند.

مجلس بررسی قانون اساسی پس از آن انتخابات قلابی که در محیط تروری و وحشت و اختناق انجام گرفت بالاخره در کاخ "مجلس سنای آریامهری" تشکیل گردید. به خون کشیدن تظاهرات مردم حمله و اشغال و آتش زدن دفاتر سازمانهای

مساله ملی در کردستان از مبارزه طبقاتی ...

مهم این است که در برابر این تکامل اشکال تولید نماید و وظایف آن را تحت الشعاع وظایف ملت خود قرار دهد.

(لنین درباره خود در درجه اول قرار داده است. "حزب دموکرات بنا به ماهیت غیر پرولتری خود تصویری کند آشتی طبقاتی بهترین طریق پیشبرد مبارزه ملی برای کسب حقوق برابر را تضمین می نماید و بخصوص تا گدیمی کند که در کردستان هر سبب است که بخواهد مبارزه ملی را تحت الشعاع مبارزه طبقاتی قرار دهد. سیاست "غیر عملی" است که از حمایت توده های مردم برخوردار نمی شود. البته این درست است که پیشبرد سیاست های بورژوازی - ناسیونالیستی و عدم اشاعه آگاهی سوسیالیستی در میان توده های بیگانه کردستان. طبیعتاً اگر این روش صرفاً آشناسازی کردستان با حقوق حقه خویش می شد این وضع درست بر مکن بود.

بگذار این "عملی" نباشد ولی در عمل مسئله تراز هر چیز دیگر دموکراتیک ترین راه حل های ممکنه را تضمین می کند. آنچه پیش از این مورد توجه بورژوازی است "قابل اجرا" بودن این خواست است و سیاست دائمی و بند و بست وی با بورژوازی ملت های دیگر به ضرر پرولتاریا از اینجاست می شود. ولی برای پرولتاریا موضوع مهم عبارت است از تحکیم طبقه خویش بر ضد بورژوازی و ترسیم توده ها بر روح دموکراسی بیگانه سوسیالیسم: بگذار فرصت طلبان این را

مهم این است که در برابر این تکامل اشکال تولید نماید و وظایف آن را تحت الشعاع وظایف ملت خود قرار دهد.

(لنین درباره خود در درجه اول قرار داده است. "حزب دموکرات بنا به ماهیت غیر پرولتری خود تصویری کند آشتی طبقاتی بهترین طریق پیشبرد مبارزه ملی برای کسب حقوق برابر را تضمین می نماید و بخصوص تا گدیمی کند که در کردستان هر سبب است که بخواهد مبارزه ملی را تحت الشعاع مبارزه طبقاتی قرار دهد. سیاست "غیر عملی" است که از حمایت توده های مردم برخوردار نمی شود. البته این درست است که پیشبرد سیاست های بورژوازی - ناسیونالیستی و عدم اشاعه آگاهی سوسیالیستی در میان توده های بیگانه کردستان. طبیعتاً اگر این روش صرفاً آشناسازی کردستان با حقوق حقه خویش می شد این وضع درست بر مکن بود.

بگذار این "عملی" نباشد ولی در عمل مسئله تراز هر چیز دیگر دموکراتیک ترین راه حل های ممکنه را تضمین می کند. آنچه پیش از این مورد توجه بورژوازی است "قابل اجرا" بودن این خواست است و سیاست دائمی و بند و بست وی با بورژوازی ملت های دیگر به ضرر پرولتاریا از اینجاست می شود. ولی برای پرولتاریا موضوع مهم عبارت است از تحکیم طبقه خویش بر ضد بورژوازی و ترسیم توده ها بر روح دموکراسی بیگانه سوسیالیسم: بگذار فرصت طلبان این را

در اینجا لازم است اشاره کنیم به کتابی بنام "درباره مبارزه در کردستان" که هم این موضوع حزب دموکرات را در این زمینه تقلید کرده است (این کتاب برای بهر چه در فداقی خلق حمید مومنی معرفی کرده نام او را به آن نوشته اند. علاوه بر آن توضیح دهیم که این کتاب بی نهایت زورنالیستی است که مجموعه ای از وقایع جزئی و اطلاعاتی را در خود جای داده است. پیداست که نویسنده حقیقی کتاب که دیدگاههای ناسیونالیستی داشته، هوادار دموکراتها بوده ولی بعداً به جریان دنیال رو چپین روی آورده است.)

در این کتاب آمده است: "نتم های ملی و مذهبی حتی در کردستان تضاد طبقاتی را تحت الشعاع قرار داده است. به این ترتیب هر حرکت سیاسی - نظامی با توجه به این شناخت آغاز شده و تضاد طبقاتی از کانال تضاد ملی عمل خواهد کرد." (صفحه ۶)

توجهی بورژوازی تراز این برای سرپوش نهادن به دیدگاههای تنگ نظرانه ناسیونالیستی نمی توان یافت. دیدگاه

در اینجا لازم است اشاره کنیم به کتابی بنام "درباره مبارزه در کردستان" که هم این موضوع حزب دموکرات را در این زمینه تقلید کرده است (این کتاب برای بهر چه در فداقی خلق حمید مومنی معرفی کرده نام او را به آن نوشته اند. علاوه بر آن توضیح دهیم که این کتاب بی نهایت زورنالیستی است که مجموعه ای از وقایع جزئی و اطلاعاتی را در خود جای داده است. پیداست که نویسنده حقیقی کتاب که دیدگاههای ناسیونالیستی داشته، هوادار دموکراتها بوده ولی بعداً به جریان دنیال رو چپین روی آورده است.)

در این کتاب آمده است: "نتم های ملی و مذهبی حتی در کردستان تضاد طبقاتی را تحت الشعاع قرار داده است. به این ترتیب هر حرکت سیاسی - نظامی با توجه به این شناخت آغاز شده و تضاد طبقاتی از کانال تضاد ملی عمل خواهد کرد." (صفحه ۶)

توجهی بورژوازی تراز این برای سرپوش نهادن به دیدگاههای تنگ نظرانه ناسیونالیستی نمی توان یافت. دیدگاه

روفت و آمدهای زائد "خبرگان محترم" خلاص می شدند.

روفت و آمدهای زائد "خبرگان محترم" خلاص می شدند.

روفت و آمدهای زائد "خبرگان محترم" خلاص می شدند.

خانواده های زحمتکشان خواهان یکسان شدن امکانات آموزشی، بهداشتی و ورزشی مدارس جنوب و شمال شهر هستند.

طمان پشنگام

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و وابستگانش

گرامی باد یاد معلم شهید رفیق هرمز گرجی بیانی



رفیق شهید هرمز گرجی بیانی

چهل روز از اعدام رفیق هرمز گرجی بیانی توسط مرتجعین جنایتکار می گذرد، سال گذشته که موج اعتصابات سراسری تمام میهن ما را فرا گرفته بود در آغازالتحصیلی رفیق گرجی بیانی یکی از گردانندگان اصلی اعتصابات معلمین و دانش آموزان کرمانشاه بود که نقش عمده ای در مبارزات اعتصابی و سیاسی مردم شهر علیه حکومت دیکتاتوری پهلوی به عهده داشت.

یاد رفیق شهید، فدائی خلق، یعقوب تقدیری گرامی باد

در طول این مدت مدام تحت تعقیب مأموران سازمان امنیت قرار داشت. رفیق یکبار توسط پلیس داخلی لبنان که با عناصر فلالانزیست دست راستی رابطه تنگاتنگی دارند، دستگیر و چند روز شکنجه قرار گرفت.

رفیق تقدیری پس از ورود به ایران فعالیت انقلابی خود را در رابطه با سازمان از سر گرفت و به شاخه کردستان معرفی گردید و از این پس با انتخاب نام مستعار امیرکبیر از علاقه و همه مابرفیق امیرکبیر و یوزپوسان ناشی می شد، به عنوان مسئول نظامی بخش بوکان شاخه کردستان، به جوجندی به کار ادامه داد. در طول این مدت با کارآفرینی نظامی قابل تحسینی که چکیده و فشرده شرکت چندین ساله وی در مبارزه قهرآمیز با دشمنان خلق فلسطین و همه خلقهای جهان به نسی امیرالیمم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل بود نقش زیادی در تربیت رفقای مادر بوکان داشت. امیر شایستگی های بسیار زیادی از خود نشان داد و در رقابت بسیار چیزها موخت خاطر او هرگز از ذهن کسانیکه با او کار کردند و همه آن رفقای که دوش بدوش او جنگیدند و از وی درس آموختند، محو نخواهد شد.

رفیق امیر که نام اصلی او یعقوب تقدیری قزلباشی بود، در سال ۳۳۰ در محله ستارخان شهر تبریز دیده به جهان گشود. دوران کودکی او در خانوادگی زحمتکش گذشت. فضای بسیار صمیمی خانوادگی او یک سو و اطرافیان از سوی دیگر به او یک شخصیت والا و انسانی بخشید. صداقت، شجاعت، فداکاری، خستگی ناپذیری و روحیه کارگری از خصوصیات بارز رفیق بود.

یعقوب با توجه به زمینه مستعد مبارزاتی که داشت در سالهای اول دهه ۵۰ به سوی مبارزه مسلحانه کشیده شد و در تلاشش کرد تا با سازمان چریکهای فدایی خلق ایران رابطه برقرار نماید و در نهایت موفق شد. برای رسیدن به این منظور به جاسوسی نرسید، تصمیم گرفت که به فلسطین قهرمان برود تا هم در آنجا پیش سیاهی خود را بالا ببرد و کارآفرینی نظامی پیدا کند و هم از این طریق با سازمان رابطه برقرار نماید. رفیق در سال ۴۰ به فلسطین گذاشت و سه سال تمام در جنگ رزمندگان فلسطین علیه صهیونیسم اسرائیل و امیرالیمم آمریکا شرکت جست و در این جبهه شایستگی و قهرمانیهای زیادی از خود نشان داد. رفیق

تمامی تظاهرات شرکت فعال داشت. پس از قیام بهمن ماه نیز کانون معلمین آزاد یخواره را تشکیل داد. بعد از جنگ ننگه با جمع آوری کمکهای مالی و داروئی و غذایی به کمک مردم آنجا شتافت.

یکی از آخرین اقدامات رفیق کوشش برای احیاء کتابخوانی هابی بود که توسط عده ای از مرتجعین وابسته به کمیته ها و پاسداران به آتش کشیده شده بود.

سرانجام تلاشهای ارجاع به عمار سم باثی های زیاد علیه او به نفع رسید. رفیق راه انعام واهی شرکت در جنگ پایوه در ساعت ۲/۵ بعد از ظهر ۲۷ مرداد ماه از خانه اش بیرون کشید و در ساعت ۱/۵ با تعداد ۲۸ مرداد ماه با دستان و حشامی بازمانده: ساجد رفیق و دبیر سازمان دیگر به جوجه، تمام سیردد و آنها در حالی که شعار می دادند، به شهادت رسیدند.

یادش گرامی باد

در دبیرستانهای محلات فقیرنشین به تدریس فیزیک پرداخت. در تابستان سال پنجاه مقارن با جشنهای ننگین دوازده و پانصدساله و به خاطر وحشت رژیم از افشای نام او عناصر مبارز توسط ساواک دستگیر و به بازداشتگاههای قزل قلعه و اوین شد.

پس از چند سال از زندان آزاد و دوباره به تدریس در دبیرستانهای کرمانشاه و به افشای رژیم منور شده پرداخت و در ارتقاء آگاهی بسیاری از دانش آموزان کرمانشاه سهم به سزایی داشت. در شهریور سال گذشته پس از مدتها فعالیت، با همکاری عده ای از دبیران، کانون معلمان کرمانشاه را بنیان گذاشت و همانند اول معلمان گردید.

در دوره از رهبری پلیس برای دستگیری چندین بار به خانه او هجوم برد ولی موفق به دستگیری نشد. او در این مدت اعلامیه های کانون را در مورد دعوت به اعتصابات و تظاهرات و افشای تکراری و کثرت و بیخوشی مردم گرد و خرد شخصاً در

رفیق هرمز گرجی بیانی در اسفند ۱۳۳۴ در خانواده ای فقیر در محله سرتبه کرمانشاه متولد شد. در کودکی پدرش را از دست داد و از آن پس سرپرستی خانوادگی را به عهده گرفت. تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در قزاق کامل گذراند و پس از پایان امتحانات نهایی ششم متوسطه در استان کرمانشاه در رشته فیزیک دانشگاه تبریز به ادامه تحصیل پرداخت. در سال دوم دانشکده به خاطر محبوبیتی که بین دانشجویان به عنوان فردی مبارز داشت از طرف دانشگاه به عنوان نماینده دانشکده انتخاب شد. در خاطر او جگرگیری مبارزات دانشجویی رژیم به دستگیری دانشجویان مبارز پرداخت و هرمز نیز دستگیر و به زندان افتاد. پس از انعام دوره محکومیت به اداره نظام و طبقه معرفی شد و پس از هفت ماه اقامت در زندان که اکثر اوقات در آنجا گذران دادند از مبارزات و فعالیتها در زندان به یادگار ماند.

چرا باید در یک کلاس مدرسه جنوب شهر، بیش از ۷۰۰ محصل در هم بولند در حالیکه در مدرسه شمال شهر، همان کلاسها ۳۰ شاگرد داشته باشد؟
معلمان بیگم

خطاهای ما و عوامفریبی های ارتجاع
ارتجاع و امیرالیمم می گوید نقد را بمانند است که (به نظر خود متکبران بودی تیر همین رژیم از جمله افرادی مثل دکتر بزدی) به این دردمی خورد که آبروی اسلام را به مردم درانست به حکومت "بدبین" کند.
اما خطاست اگر هر حمله ارتجاع به نیروهای مترقی را تنها به حساب طینت زشت و مودیگری آنها بنویسیم. یک عامل مهم در اینکه تا چه حد دروغ و حمله گری ارتجاع در توده های ناآگاه موثر افتد و حکومت بتواند به مرادش برسد آنست که طرف مقابل ارتجاع یعنی نیروهای انقلابی چگونه عمل کنند و تا چه حد مرتکب اشتباه شوند. فالانوها تا ما کمین کرده اند تا کوچکترین "گزگی" از ما بگیرند و به رذیله ترین شکلی، جنجال راه بیندازند و علیه ما سبهاش کنند. مثلا روزنامه کار چند مدت پیش اشتباه استدی را چاپ می کند که توضیحات آن با خود سند مربوط نبود. این خطا که بلافاصله در شماره بعد با توضیح و بپوشش تصحیح شد ما خود اولین کسی بودیم که برای اجتناب از هرگونه برداشت ناهنجار توضیح دادیم که سند مربوط به حقوق کارگران ایرانی شرکت مربوطه به جای حقوق کارکنان آمریکائی چاپ شده است. اما ارتجاع در کمال بی صداقتی و بی شرمی که حاصل ذاتی آنست چنانچه انتظار می رفت به کار نتشست و با اطلاع یافتن از موضوع، شرح کفافی چاپ کرد و به درودنوار شهر چسباند که به نیت فدائیان چگونه دروغ می گویند. از مرتجعین نمی توان انتظار داشت که عوامفریب نکنند. ما

بخشی از پیام پرسنل انقلابی به مناسبت ۱۷ شهریور: آیا هفده شهریورها تکرار نخواهد شد؟
در ایران چند ماه پیش پرچم دار انقلابی، حجت الاسلام والمسلمین آقای رسد هانی بود. او بخوشی در موضع ترور مطهری نطقی کرد و بی شرمی و قناعت را در عوامفریبی و دروغگوئی، به حد افلا رسانید. اخیراً این وظیفه به شبح صادق خلاصی سپرده شده است. آنچه که خغالی بنشرم درباره رفیق شهید دکتر رشود سرداری گفت و آنچه در باره دشمنان به باخاسته و جان برکشت

تکراف سازمان چریکهای فدایی خلق به جنبش آزادی بخش خلق آنکولا - «میلا»:
گرامی باد یاد رفیق آگوستینو نتو رهبر انقلابی خلق آنکولا

بخشی از پیام پرسنل انقلابی به مناسبت ۱۷ شهریور: آیا هفده شهریورها تکرار نخواهد شد؟
رفیق نتو لرزد دلبر خلق انقلابی آنکولا در گذشت. بدون شک فقدان انقلابیون راستینی چون نتو که همه نیرو و هستی خود را در راه آرمان زحمتکشان بقیه در صفحه ۴

بخشی از پیام دانش آموزان مبارز کرمانشاه به مناسبت اعدام رفیق گرجی بیانی:
درود بی کران خلق به رفیق شهید هرمز گرجی بیانی

آیا ایران به اسرائیل نفت نمی فروشد؟
یکی از کارمندان اداره نظارت بر صادرات مواد نفتی خارک

سرکوبگران خلق کرد، دشمنان وحدت خلقهای ایران هستند

همه شتوال ساخته، خنجره کار را که ماهها پیش در یک مسامحه مطوعاتی از ایشان تنه بود. ملکوت گذات و بالاخره ننگت که چرا ایران با فرعی جنوبی روابط تجاری دارد؟
متن تکراف تهران - جناب آقای نریه: ریاست محترم هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران. لطفاً نفت خام سنگین بقیه در صفحه ۴